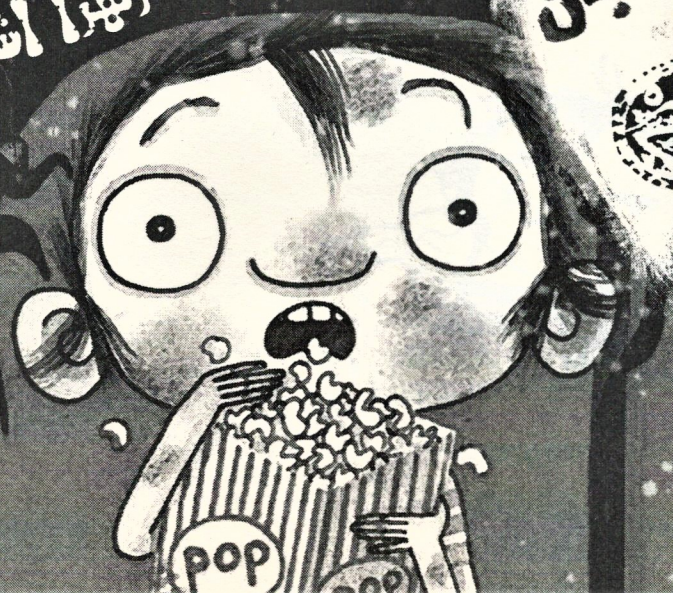


۵

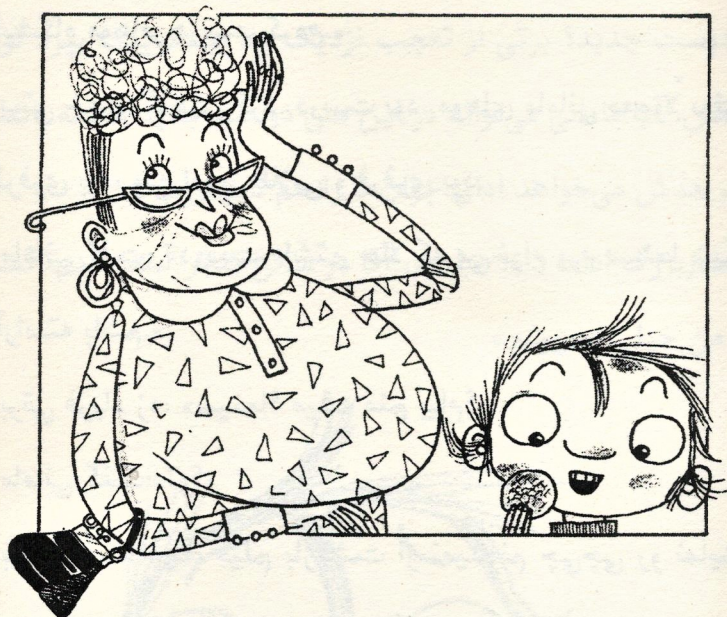
سپل سفل

آن مک و نالت
زهرا اشرفی

با شرکت
شاک جان



فصل ۱



مامانی گرد و قلمبه آمده بود خانه‌ی برتی. انگار به‌دلیلی از خودش خوشش می‌آمد.

او گفت: «متوجه تغییری نشدی؟»

پدر پرسید: «لباستون جدیده؟»

مادر پرسید: «کفش‌هاتون جدیده؟»